

جنگیدن با عمیق ترین نفس

داستان عاشقانه ۲ غواص آزاد که به تراژدی ختم می شود

ندازندی «عمیق ترین نفس» ماجرای نفسگیر تلاش برای غلبه بر محدودیت‌های جسم و دستیابی به رؤیاهاست؛ آن هم با شیرجه زدن به اعماق آب تنها با یک نفس؛ نفسی آنچنان عمیق که فقط ممد حیات و مفرح ذات نیست، بلکه ضمانت قهرمانی است. قهرمانی در رشته دشوار غواصی آزاد به بندبازی روی ریسمان باریک مرگ و زندگی می ماند. «عمیق ترین نفس» مستندی است ماجراجویانه با تمرکز بر زندگی ایشیا زکینی؛ قهرمان ایتالیایی تبار غواصی آزاد جهان؛ دختری که از کودکی به شنا و غواصی علاقه مند بوده و خیلی زود استعدادش در این مسیر شناسایی می شود. برای او شرکت در مسابقات و دریافت مدال‌های رنگی کافی نیست و می خواهد با شکستن رکورد ناتالیا مولچانووا، قهرمان اسطوره‌ای روس در رشته غواصی آزاد، عنوان برترین غواص آزاد زن جهان را از آن خود کند. در همین مسیر دستیابی به قهرمانی است که با استفان کینان، غواص آزاد گروه امداد و ایمنی و مربی ایرلندی، آشنا می شود؛ پسر جوانی که رؤیاهایش به شفافیت ایشیا نیست، اما اندوه مرگ مادرش به او انگیزه می دهد تا برای یافتن آنچه می خواهد دست به ماجراجویی بزند. او در سفرهای پر مخاطره اش سرانجام با آب و دنیای غواصی پیوند می خورد؛ پیوندی که در نهایت به آشنایی او با ایشیا می انجامد؛ وصالی شیرین که عمری کوتاه دارد و در نهایت دنیای غواصی که مسبب آشنایی دو جوان است، آنها را از هم جدا می کند.



روایت پرتعلیق داستانی عاشقانه



باعث می شود مدام از خود بیرسیم که بالاخره این دو چطور با هم آشنا می شوند و سر نوشت این عشق چه خواهد شد؟ آیا مرگ ایشیا که جسور است و برای رسیدن به قهرمانی دست از جان شسته، پایان تلخ فیلم است یا مرگ استفان؟ به خصوص اگر از پیش اطلاعی از زندگی ایشیا نداشته باشیم این ابهام کار ساز تر می شود. از طرفی، استفاده از صدای هر دو شخصیت در پس زمینه برخی تصاویر و مخصوصاً ویدئوهایی که استفان به صورت سلفی از خودش گرفته یا مصاحبه‌های تصویری ایشیا، تماشاگر را در تردید نگه می دارد که آیا اصلاً اتفاق ناگواری برای یکی از این دو افتاده و حتی این گمان را به ذهن متبادر می سازد که شاید مخاطرات غواصی نه به مرگ که به مسئله بیماری، فلج مغزی یا مشکل دیگری ختم شده است. این تعلیق که این دو خط داستانی چطور به هم می رسند و چه تأثیری بر سر نوشت هم دارند و همینطور نگرانی برای سر نوشت دو قهرمان داستان، تماشاگر را تا انتها پای این داستان نفسگیر نگه می دارد.

شاید داستان زندگی قهرمان غواصی آزاد برای همه جذاب نباشد، اما روایت عشق و مرگ و وصال و فراق برای خیلی‌ها شنیدنی است. لورا مک‌گان، کارگردان مستند، دقیقاً دست روی این مفاهیم گذاشته و با افزودن عنصر تعلیق به روایتش مستندی دیدنی خلق کرده است. از همان ابتدای فیلم می دانیم که ایشیا و استفان روزی با هم آشنا می شوند، اما کی و کجا و چطور را نمی دانیم. در اوایل مستند، نمایش تصویر غواص نیمه جانی که از آب بیرون کشیده شده و دیگری که تلاش می کند او را به زندگی بازگرداند و تأکید چندباره به خطرناک بودن غواصی آزاد، برای تماشاگر کنجکاوی برانگیز و دلهره آور است. این غواص کیست؟ آیا یکی از دو قهرمان داستان فیلم است؟ چه اتفاقی برای او افتاده؟ بعد روایت به عقب بازمی گردد و ما از طریق پدران دو قهرمان داستان و دوستان و همکارانشان از مسیری که ایشیا و استفان هر یک به تنهایی در نقطه‌ای از جهان طی کرده تا نهایتاً به هم می رسند مطلع می شویم. پیش‌برد موازی داستان زندگی ۲ شخصیت

داستانی که باید با قلبتان احساس کنید

خلق یک مستند خوب نیست. آنچه ما در فیلم مستند می بینیم نه واقعیت محض که بازنمایی حس و حال نویسنده / کارگردان درباره آن موضوع است. لورا مک‌گان در نخستین مواجهه با داستان ایشیا و استفان چیزی از غواصی آزاد نمی دانسته، اما پس از اینکه با غواصی آزاد آشنا می شود، دوباره داستان این دو جوان را می خواند و در این دومین مواجهه «داستان را عمیقاً با قلبش لمس می کند» و تصمیم می گیرد که به بهترین شکل روایتش کند. فیلم از نظر عاطفی یا احساسی، خصوصاً در فصل پایانی که سر نوشت شخصیت‌ها آشکار می شود، بسیار اثرگذار است، اما دچار احساسات‌گرایی نمی شود. در آخر، حس می شود که از تماشای این مستند با مخاطب می ماند احترام به جسارت، رؤیاپردازی و شجاعت ایشیا و استفان است.

لورا مک‌گان، کارگردان مستند، معتقد است که در غواصی آزاد باید نگران لحظه بود و نمی شود در آینده یا گذشته سیر کرد و از این رو شیوه روایت کور و تلوژیکال را برای بیان داستان انتخاب می کند تا بیننده خودش را جزئی از فیلم و در زمان فیلم حس کند نه اینکه بیننده داستانی تاریخ گذشته باشد. مک‌گان در یافتن آرشیو هم خلاقیت به خرج داده و مانند کار آگاهی میرز به سراغ افراد دور بین به دست می رود که در عکس‌ها حضور دارند؛ به این ترتیب با حجم قابل توجهی از فیلم‌های آرشیوی، از وی‌اچ‌اس تا آی‌فون، مواجه می شود و سپس جاهای خالی طرح ذهنی‌اش را با مصاحبه‌ها و تصاویر بازسازی شده پر می کند. با این حال، «عمیق ترین نفس» به خوبی نشان می دهد که داشتن آرشیو غنی از تصاویر شرط کافی برای